

پیامدهای ناخواسته برنامه‌های پلیسی

کنترل بازارهای خرید و فروش مواد مخدر*

- محمد فرجیها^۱
- آزاده صادقی^۲

چکیده

پلیس به عنوان یکی از نهادهای عدالت کیفری با هدف کاهش عرضه مواد مخدر، مداخله‌هایی را برای افزایش قیمت و میزان توقیف مواد انجام می‌دهد تا به واسطه آن در فرایند دسترسی به مواد مخدر اختلال ایجاد کند. این مداخله‌ها ممکن است موجب بروز پیامدهای ناخواسته‌ای شوند که در تدوین برنامه‌ها مورد توجه قرار نگرفته‌اند. پرسش تحقیق حاضر، بررسی ماهیت پیامدهای ناخواسته کنترل‌های پلیسی بازار مواد و میزان اهمیت آن‌ها در راستای تعیین میزان اثربخشی برنامه‌هاست. برای پاسخ‌گویی به پرسش تحقیق، از روش‌های کیفی و به‌طور خاص مصاحبه عمیق با ۶۸ نفر از فروشندگان و مصرف‌کنندگان مواد مخدر در بازارهای خرید و فروش مواد (۲۷ فروشنده و ۴۱ مصرف‌کننده) و ۲۰ نفر از

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۲/۲۰ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۹/۱.

۱. دانشیار دانشگاه تربیت مدرس (mohammadfarajih@ gmail.com).

۲. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده مسئول) (sadeghiazade@yahoo.com).

ساکنان محله‌های خرید و فروش مواد مخدر (محله دروازه غار و شوش) استفاده شده است. یافته‌های این پژوهش نشان داد که برنامه‌های پلیسی کنترل بازار موجب می‌شوند که مصرف‌کنندگان برای تأمین مواد مورد نیاز خویش مرتکب جرایم مختلفی شوند. همچنین مداخله‌های پلیسی به علت عدم رعایت مداخله‌های کاهش آسیب، موجب بروز آسیب‌های بهداشتی و حتی مرگ مصرف‌کنندگان می‌شوند.

واژگان کلیدی: بازارهای مواد مخدر، افزایش جرم، پیامدهای بهداشتی، کاهش مصرف.

مقدمه

مهم‌ترین هدف مداخله‌های پلیسی در بازارهای مواد مخدر، کاهش مصرف مواد است. به همین سبب، مدیران پلیس با اجرای برنامه‌های گوناگون پلیسی تلاش می‌کنند میزان بازداشت، توقیف و زمان دسترسی به مواد را افزایش و به تبع آن انگیزه مصرف‌کنندگان برای مصرف مواد را کاهش دهند. بنابراین اثربخشی برنامه‌های پلیسی منوط به تحقق کاهش میزان مصرف‌کنندگان است. بر این پایه، سیاست‌های مقابله با عرضه و در رأس آن‌ها مداخله‌های پلیسی، اهمیت بیشتری در مقایسه با سیاست‌های کاهش تقاضا و پیشگیری از اعتیاد و همچنین سلامت مصرف‌کنندگان می‌یابند.

با وجود این، اجرای طرح‌های پلیسی برای کنترل بازارهای مواد، ممکن است لزوماً کاهش عرضه مواد مخدر را به دنبال نداشته باشد؛ یعنی قیمت و میزان توقیف مواد افزایش نیابد و مصرف‌کنندگان به آسانی مواد مخدر مورد نیاز را به دست آورند. حتی فراتر از آن، ممکن است نتایج نامطلوب به دنبال اجرای برنامه‌های کنترل بازارها حاصل آید. در واقع، بسیاری از برنامه‌های پلیسی که برای رسیدن به اهداف مذکور طراحی شدند، می‌توانند بر اهداف دیگر نیز تأثیر بگذارند. به همین جهت، یکی از مهم‌ترین موضوعات برای تحلیل میزان اثربخشی سیاست‌ها، مطالعه پیامدهای ناخواسته است.

به طور کلی، هر برنامه‌ای برای رسیدن به اهدافی خاص طراحی شده که برای تعیین میزان اثربخشی، تأثیر تدابیر موجود در برنامه، در میزان نیل به اهداف ارزیابی می‌شود. در صورت دستیابی به اهداف، برنامه یا سیاست اثربخش شناخته می‌شود. ولی گاهی اوقات در کنار تحقق اهداف یا به جای آن، نتایج دیگری ایجاد می‌شود که جزء

اهداف برنامه نبوده و حتی ممکن است که اثربخشی برنامه را با چالش مواجه کند. این دسته از پیامدها که طراحان برنامه‌ها قصد ایجاد آن نتایج را ندارند، پیامدهای ناخواسته نامیده می‌شوند (Chouvy, 2013: 6). به این ترتیب، پیامدهای ناخواسته، مفهومی متفاوت از عدم دسترسی به اهداف مورد انتظار است.

پیامدهای ناخواسته ممکن است پیامدهای قابل پیش‌بینی یا غیر قابل پیش‌بینی باشند. در حوزه کنترل پلیسی بازارهای مواد مخدر به زعم برخی پژوهشگران، بیشتر پیامدهای ناخواسته نظیر افزایش جرم از سوی مصرف‌کنندگان، پیامدهایی هستند که مدیران پلیس به هنگام تدوین و اجرای طرح‌های پلیسی از آن آگاهی دارند و بنابراین قابل پیش‌بینی اند (Reuter, 2009: 153).

بروز این پیامدهای ناخواسته در برنامه‌ها گاه آن‌چنان اهمیت می‌یابد که امکان دستیابی به اهداف مورد انتظار (پیامدهای خواسته) را با ابهام روبه‌رو می‌سازد. دستیابی به درک جامع و عمیق در خصوص پدیده‌ها و مشکلات اجتماعی همچون مواد مخدر و ارائه راهکارهای علمی برای مقابله با آن، نیازمند آن است که نتایج مثبت و منفی مداخله‌ها بر اساس تحقیقات ارزیابی در مراحل مختلف اجرای برنامه‌های پلیسی بررسی شوند. در واقع، حل مشکلات مستلزم آگاهی از نقاط ضعف برنامه‌ها و تلاش برای حل آن‌هاست (فرجیها، ۱۳۸۴: ۲۸/۲). پژوهش‌های ارزیابی^۱ این امکان را فراهم می‌سازند که مداخله‌های پلیسی در بازار مواد، جدای از میزان تحقق اهداف مورد انتظار، از حیث پیامدهای ناخواسته نیز بررسی شوند.

به طور خاص، بررسی پیامدهای ناخواسته برای مدیران پلیس از دو جهت دارای

۱. به طور کلی، پژوهش‌های ارزیابی جایگاهی والا در پژوهش‌های جرم‌شناسی و از جمله سیاست‌های تجربه‌محور دارند، چنان که گونه‌های مختلف آن همانند ارزیابی نیاز، نظریه، اجرا، اثربخشی و ارزیابی هزینه - فایده می‌توانند با شناسایی نقاط ضعف و قوت برنامه یا سیاست، و سنجش آثار مثبت و منفی آن، اتکای برنامه‌ها بر رویه‌های تجربه‌محور را فزونی بخشیده و از نتیجه‌گیری‌های غیر علمی، عوام‌گرایانه و اظهارنظرهای شخصی بکاهند. در واقع، امکان استفاده از پژوهش‌های ارزیابی در مراحل مختلف سیاست‌گذاری و ارائه ادله تجربی بر این پایه، آن را به مثابه یکی از مهم‌ترین ابزارهای سیاست‌گذاری عقلانی درآورده است. وانگهی چنین نتایجی، مستلزم رعایت اصول ارزیابی است؛ عواملی همچون طراحی ضعیف برنامه‌های ارزیابی، اجرای ناقص، گماردن مجریان نادرست برای ارزیابی، انجام ارزیابی در زمان نامناسب و وجود اهداف غیر علمی در انجام آن... یافته‌های حاصل از ارزیابی را آسیب‌پذیر می‌سازند.

اهمیت است: نخست آنکه این نتایج باید در هنگام تدوین طرح‌های پلیسی کنترل بازار و سپس چگونگی اجرای آن شناسایی شوند. دوم آنکه تدابیر لازم برای به حداقل رسانیدن تأثیر سوء این پیامدهای ناخواسته اتخاذ شود. دستیابی به موضوع مذکور، نیازمند شناخت این پیامدها، متغیرهای تأثیرگذار در وقوع، و ابعاد گوناگون این پیامدها در بازارهای مواد است (Reuter, 2009: 153). به همین جهت، پژوهش حاضر بر آن است که برنامه‌های پلیسی کنترل بازار مواد در ایران را از حیث میزان نتایج ناخواسته ارزیابی نماید. بر این اساس، از روش مصاحبه عمیق^۱ برای تجزیه و تحلیل پیامدهای ناخواسته استفاده شده است. بدین منظور، با سه گروه مصاحبه انجام شد:

نخست، فروشندگان و یا توزیع‌کنندگانی که در زمان انجام مصاحبه‌ها به فعالیت در حوزه توزیع و فروش مواد مشغول بودند. از این رو، بر اساس اشباع نظری^۲ و روش گلوله برفی^۳، با ۲۷ فروشنده مصاحبه عمیق صورت گرفت.

دوم، مصرف‌کنندگان مواد مخدر که مواد مخدر مورد نیاز را برای مصرف روزانه یا هفتگی خویش از فروشندگان و یا سایر توزیع‌کنندگان در بازار تأمین می‌نمایند. بر اساس اشباع نظری با ۴۱ نفر از مصرف‌کنندگان مصاحبه عمیق صورت گرفت.

سوم، ساکنان محله‌های خرید و فروش مواد که در دو محله دروازه‌غار (هرندی) و

۱. پژوهش‌های کیفی این امکان را فراهم می‌کند تا محقق، ابعاد، ویژگی‌ها و... موضوعات مختلف را به صورت عمیق کالبدشکافی نموده و روابط بین متغیرها و عوامل تأثیرگذار و لایه‌های مختلف هر پدیده را شناسایی و تبیین نماید. به همین مناسبت، تلاش شد تا از مصاحبه عمیق (in depth interview) برای کشف ابعاد مختلف موضوع استفاده شود. در این روش با ارائه پرسش‌ها و توضیحات کلی، به مصاحبه‌شونده اجازه داده می‌شود تا به صورت آزاد دیدگاه‌ها و پاسخ‌های خود را توضیح دهد و در ضمن پژوهشگر در فرایند مصاحبه، سؤالاتی را که طرح آن‌ها ضروری به نظر می‌رسد، مطرح می‌کند.

۲. نمونه‌گیری در پژوهش‌های کیفی در بسیاری موارد بر اساس اشباع نظری (point of saturation) تعیین می‌گردد. چنانچه به اعتقاد پژوهشگر، جمع‌آوری اطلاعات به سطحی برسد که فراتر از آن تکرار مشاهده شود، این مرحله پایان می‌پذیرد.

۳. رسالت پژوهش‌های کیفی کسب اطلاعات و دستیابی به درک عمیق راجع به پدیده‌های مورد مطالعه است تا ارائه اطلاعات کمی. به همین مناسبت، انتخاب نمونه‌ها نیز با تأسی از همین موضوع، به گونه هدفمند و به صورتی انتخاب می‌شوند که خصوصیات لازم را از نگاه پژوهشگر برای پاسخ‌گویی به پرسش‌های پژوهش و شناخت پدیده‌ها دارا باشند. برای انتخاب نمونه‌ها در بازارهای خرید و فروش مواد از روش گلوله برفی استفاده گردید. بدین صورت که پس از گفتگو با یک مصرف‌کننده یا فروشنده و جلب اعتماد وی، او مصاحبه‌شونده بعدی را معرفی می‌نمود.

یا شوش زندگی کرده و یا اشتغال دارند و به همین جهت با ۲۰ نفر از آنان مصاحبه عمیق انجام شد. انتخاب محله‌های دروازه‌غار و شوش به دو دلیل بوده است؛ از یک‌سو، با توجه به ویژگی نابسامانی اجتماعی این محله‌ها، فروشندگان و مصرف‌کنندگان بسیاری در این محله‌ها هستند و در نتیجه دسترسی به آن‌ها برای انجام موضوع پژوهش امکان‌پذیر بوده است. از سوی دیگر، مداخله‌های پلیسی گوناگونی در این محله‌ها برای جلوگیری از فعالیت عرضه‌کنندگان و مصرف‌کنندگان اجرا شده بود و به همین جهت، موضوع پیامدهای ناخواسته این مداخله‌ها به طور خاص قابل طرح است. برخی از پیامدهای ناخواسته، معطوف به مصرف‌کنندگان مواد مخدر است. به طور خاص، این موضوع در خصوص پیامدهای بهداشتی و همچنین افزایش ارتکاب جرم از سوی آنان مشاهده می‌شود. لکن ارتکاب جرم تنها محدود به مصرف‌کنندگان نیست و فروشندگان نیز ممکن است با توجه به افزایش شدت مداخله‌های پلیسی، به جای عرضه مواد مخدر به سرقت یا جرایم دیگر روی بیاورند. ولی بر اساس اکثر مطالعات موجود در این زمینه، علت افزایش نرخ جرایم پس از اجرای طرح‌های پلیسی، رفتارهای بزهکارانه مصرف‌کنندگان است.

به همین جهت در بخش نخست، یکی از مهم‌ترین پیامدهای ناخواسته که افزایش ارتکاب جرم از سوی مصرف‌کنندگان است، بررسی می‌شود. در ادامه و در بخش دوم، پیامدهای بهداشتی ناشی از اجرای طرح‌های پلیسی به عنوان یکی دیگر از انواع پیامدهای ناخواسته تحلیل می‌شود. دو گروه به طور کلی ممکن است تحت تأثیر اجرای برنامه‌های پلیسی، در معرض آسیب قرار گیرند: مصرف‌کنندگان و خانواده‌های آنان. جدای از این، افزایش فساد و سوءاستفاده از اختیارات قانونی نیروهای پلیس برای کنترل بازارهای مواد، از سوی پژوهشگران به عنوان یکی از پیامدهای ناخواسته که اهداف نهایی مداخله‌ها را با چالش مواجه می‌کند، عنوان شده است. از این رو، در قسمت سوم، فساد نیروهای پلیس و تأثیر آن بر عملکرد بازارهای مواد مخدر تشریح می‌شود.

۱. افزایش ارتکاب جرم

بازارهای خرید و فروش مواد مخدر، یکی از عوامل ایجاد بی‌نظمی و جرم در جامعه

محسوب می‌شوند. به همین جهت، تلاش بر این است تا با تمرکز بر بازارهای مواد، فرصت‌های ارتکاب جرم توسط بزهکاران مانند فروشندگان و مصرف‌کنندگان کاهش یابد. با کاهش عرضه مواد مخدر در جامعه، میزان مصرف کاهش یافته و از این طریق، امنیت و آرامش شهروندان نیز به موازات کاهش میزان مواد مخدر تأمین می‌شود. بر این اساس، نیروهای پلیس با افزایش خطر برای عرضه‌کنندگان و اختلال در دسترسی به مواد برای آنان و مصرف‌کنندگان، به دنبال تأمین امنیت در جامعه و کاهش مصرف مواد هستند (مؤیدی، ۱۳۹۴: ش ۲۴-۲۵/۴۴).

یافته‌های برخی پژوهش‌ها بیانگر آن است که برنامه‌های پلیسی ممکن است صرف‌نظر از تحقق یا عدم تحقق اهداف مورد انتظار، به افزایش ارتکاب جرم بینجامد. حتی فراتر از این، بر اساس نتایج برخی پژوهش‌ها ارتباط معناداری میان افزایش شدت مداخله‌های پلیسی در بازارهای مواد و افزایش نرخ جرایم وجود دارد؛ به گونه‌ای که با افزایش مداخله‌های پلیسی میزان جرایم در بازار مواد افزایش می‌یابد (Burrus et al., 2007: 77).

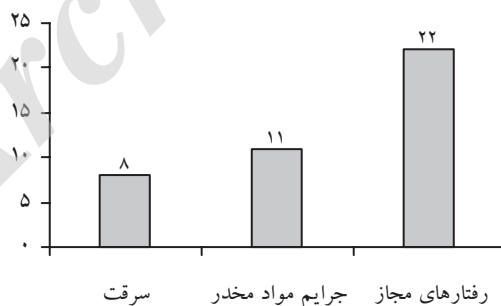
تدابیر پلیسی کنترل بازارهای خرید و فروش مواد مخدر ممکن است به جای کاهش جرم، زمینه‌های افزایش رفتارهای مجرمانه را فراهم کند. در واقع، هرچند ممکن است به دنبال افزایش شدت برنامه‌های پلیسی، قیمت مواد مخدر افزایش یابد و در نتیجه مداخله‌ها اثربخش شناخته شوند، این امر می‌تواند در تغییر رفتارهای مصرف‌کنندگان تأثیرگذار باشد و موجب افزایش احتمال بزهکاری مصرف‌کنندگان مواد مخدر شود. بر این اساس، انگیزه اصلی برای ارتکاب جرم به دست آوردن منابع مالی برای تأمین مصرف مواد است و به همین جهت بیشترین جرایم ارتكابی مصرف‌کنندگان، جرایم علیه اموال خواهد بود. در میان جرایم علیه اموال، اصولاً مصرف‌کنندگان مرتکب جرایمی می‌شوند که نیاز به تخصص خاصی ندارد. همچنین ممکن است برخی از آنان مانند زنان مصرف‌کننده، برای تأمین هزینه‌های مواد مخدر به روسپیگری روی بیاورند. بنابراین توسل به از خشونت و یا ارتکاب جرایم خشونت‌بار، در اولویت مصرف‌کنندگان قرار نگرفته است. در واقع، بیشتر با توجه به وجود انگیزه مالی برای تأمین مواد، کمتر سراغ جرایم خشن می‌روند و تنها در مواردی که نتوانند پول لازم برای تأمین مواد را از طریق دزدی‌های ساده تأمین کنند، به سرقت مقرون به آزار روی می‌آورند. به همین

دلیل، بر اساس آمارهای ارائه‌شده، میزان ارتکاب جرایم علیه اموال توسط مصرف‌کنندگان بیشتر از جرایم خشونت‌بار است.

افزون بر این، ممکن است مصرف‌کننده برای تأمین هزینه‌های روزافزون مواد مخدر، وارد چرخه خرید و فروش مواد شود. از این رو، باید انتظار داشت که برخی مصرف‌کنندگان با ارتکاب جرایمی مانند جرایم علیه اموال، روسپیگری و... در صدد سازگاری با افزایش قیمت و دستگیری برآیند (Benson et al., 1992). در واقع، مأموران پلیس تلاش می‌کنند با جلوگیری از فعالیت عرضه‌کنندگان مواد، از میزان جرایم در جامعه بکاهند، ولی عملکرد آن‌ها موجب می‌شود که مصرف‌کنندگان برای تأمین هزینه‌های مواد مخدر، مرتکب جرایمی نظیر سرقت، فروش مواد، روسپیگری و... شوند. یافته‌های پژوهش‌های علمی نشان می‌دهد که احتمال وقوع رفتارهای بزهکارانه توسط مصرف‌کنندگان سه تا چهار برابر بیشتر از افراد غیر مصرف‌کننده است. افزایش احتمال رفتارهای بزهکارانه برای تأمین هزینه مواد در سایر مطالعات نیز تأیید شده است. همچنین تمرکز منابع انسانی و مالی محدود بر کنترل بازارهای خرید و فروش و تلاش برای افزایش میزان بازداشت توزیع‌کنندگان ممکن است به سهل‌انگاری در کنترل مناسب سایر جرایم منتهی شود؛ توجه بیش از اندازه به بازار مواد، نیروهای پلیس را از مقابله مناسب با سایر جرایم باز داشته و به طور غیر مستقیم فرصت‌های بیشتری را برای بزهکاران جرایم خشونت‌بار فراهم می‌آورد (8: Baveja et al., 2004). نتایج برخی پژوهش‌ها بیانگر رابطه معنادار میان افزایش شدت برخورد نهادهای عدالت کیفری در جرایم مواد مخدر با افزایش جرایم خشن است؛ چرا که بزهکاران با در نظر گرفتن عدم توجه کافی مقامات پلیس به سایر جرایم، با خیالی آسوده‌تر سراغ این جرایم می‌روند؛ برای نمونه، بنسون و راسموسن در مقاله‌ای با عنوان «آیا افزایش جرم ناشی از مواد است یا عملکرد پلیس؟»، به تشریح این موضوع به هنگام اجرای رویکردهای سختگیرانه در شهر فلوریدا پرداخته‌اند. بر اساس نتایج پژوهش آن‌ها، به هنگام افزایش شدت مداخله‌های پلیسی، میزان جرایم نیز در جامعه افزایش می‌یابد. به باور آنان، تمرکز بیش از اندازه پلیس بر بازارهای مواد مخدر، موجب عدم توجه کافی آنان به سایر رفتارهای بزهکارانه می‌شود. در واقع، بزهکاران با حسابگری و آگاهی از عملکرد پلیس،

مرتکب جرایمی غیر از مواد مخدر می‌شوند و در نتیجه میزان جرایم افزایش می‌یابد (Benson et al., 1992).

همچنین تغییر رفتار عرضه‌کنندگان به دلیل افزایش ریسک عرضه مواد مخدر نیز ممکن است در افزایش جرایم و بی‌نظمی تأثیرگذار باشد. عرضه‌کنندگان ممکن است با آگاهی از کنترل‌های سختگیرانه و در نتیجه افزایش خطر جرم، ارتکاب جرایم جایگزین همچون انواع سرقت‌های مختلف، جیب‌بری و... را در اولویت قرار دهند. این موضوع که در میان جرم‌شناسان به عنوان جابه‌جایی جرم مطرح شده است، موجب می‌شود که مداخله‌های پلیسی در نهایت آثار بازدارنده نداشته باشد و بزهکاران مرتکب جرایم دیگری شوند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۱: ۸۰۳). افزون بر این، افزایش منازعه برای حفظ جایگاه و کسب قدرت از سوی عرضه‌کنندگان در پی کنترل‌های سختگیرانه پلیس، به خشونت بازار مواد دامن زده و آن را گسترده‌تر می‌سازد. همچنین فروشندگانی که در اثر مداخله‌های پلیسی به مکان‌های دیگری روی می‌آورند، ممکن است برای توسعه قلمرو و جذب مشتریان جدید، با فروشندگان آن بازار خرید و فروش مواد مخدر درگیر شوند. مصاحبه‌های انجام‌شده در این پژوهش نشان داد که برخی مصرف‌کنندگان در واکنش به افزایش شدت مداخله‌های پلیسی اغلب مرتکب رفتارهای بزهکارانه مانند سرقت، فروش، دلالی و واسطه‌گری برای عرضه مواد مخدر می‌شوند. در نمودار زیر واکنش مصرف‌کنندگان به طرح‌های پلیسی کنترل بازار مواد ترسیم شده است.



۱. به طور کلی، ممنوعیت‌های قانونی مصرف مواد موجب می‌گردد که توزیع‌کنندگان برای حل و فصل اختلافات خویش از سازوکارهای قانونی استفاده نکرده و به طور غیر رسمی و مجرمانه به حل آن بپردازند که نتیجه آن وجود خشونت در بازارهای مواد مخدر خواهد بود.

بر اساس نمودار فوق، ۸ نفر از ۴۱ مصرف‌کننده به ارتکاب بزه سرقت برای تأمین مواد اشاره نمودند. مصاحبه‌شونده شماره ۲۳ که به هرویین و شیشه اعتیاد دارد، بیان می‌دارد: «گوشی دزدی می‌کنم. دوست دارم سراغ آشپزی بروم، ولی اول باید مواد را کنار بگذارم. وقتی گران بشود هر روز می‌دزدم؛ مثلاً الآن هر روز می‌دزدم». مرد مصرف‌کننده شماره ۸ نیز در پاسخ به علت ارتکاب جرم می‌گوید: «قبلاً می‌توانستیم به یک نحوی بخریم، ولی الآن اگر بخواهیم با این قیمت‌ها کمی مواد بگیریم، خیلی زیاد می‌شود. برای همین دزدی می‌کنم؛ در حد همین قالباق دزدی و مانند آن». چنان که مشاهده می‌شود، افزایش قیمت مواد مخدر موجب گرایش بیشتر مصرف‌کنندگان به دله‌دزدی و ارتکاب جرم‌های خرد می‌شود.

افزون بر این، در پاسخ به پرسش‌هایی در خصوص حمل مواد یا دلالی برای تأمین مواد، ۱۱ نفر دیگر نیز بیان نمودند که گاهی اوقات برای تأمین مواد مورد نیاز، مرتکب رفتارهایی چون دلالی، حمل مواد یا واسطه‌گری می‌شوند تا بتوانند مواد یا هزینه مواد را تأمین نمایند. مصرف‌کننده شماره ۲۹ که ۴۰ سال سن دارد و به هرویین معتاد است، اظهار می‌دارد: «من اهل خلاف نیستم. فقط ۵ یا ۶ نوبت جنس می‌بردم؛ مثلاً ۲ گرم شیشه و ۵ گرم هرویین داخل نایلون یا کیف ورزشی می‌گذاشتم و نمی‌ترسیدم و خیلی راحت می‌بردم. به من ۲۰۰ تومان پول جنس و ۱۰۰ تومان هم برای مواد و خرجی می‌داد». بر اساس اظهارات برخی فروشندگان و مصرف‌کنندگان، رویه بسیاری از مصرف‌کنندگان، دلالی و حمل مواد برای دستیابی به مواد مورد نیاز است. فروشنده شماره ۱۱ در این باره می‌گوید: «اشکال کار این است که الان کارتن‌خواب‌ها هم فروشنده‌اند؛ یعنی ما مواد فروش نداریم. غروب‌ها به راحتی دوا (هرویین) و شیشه را حراج می‌کنند». افزایش روزافزون این گونه نقش‌ها در بازار مواد در واکنش به مداخله‌های پلیسی، ادامه حیات بازار را ممکن ساخته و به جای آنکه موجب کاهش جرایم شود، موجب بروز رفتارهای مجرمانه دیگر می‌شود.

در مجموع، تقریباً نصف مصرف‌کنندگان (۴۶/۳۴ درصد) در واکنش به تشدید مداخله‌ها و افزایش قیمت مواد مخدر، به سمت رفتارهای بزهکارانه سوق داده شدند. بر اساس اظهارات مصاحبه‌شوندگان، احتمال ارتکاب بزه‌هایی مانند سرقت و دلالی

و... در مواقع تشدید برنامه‌های پلیسی و به تبع آن افزایش قیمت مواد مخدر بیشتر می‌گردد. مصرف‌کننده شماره ۴۰ که گاهی اوقات برای توزیع‌کنندگان دلالی می‌کرد، در مورد تأثیر افزایش قیمت مواد بر رفتارهای بزهکارانه می‌گوید: «وقتی قیمت مواد پایین باشد، با همان جمع‌آوری ضایعات می‌توان کار را پیش برد. ولی هنگامی که طرح می‌گذارند و قیمت مواد ناگهان بالا می‌رود، نمی‌توان کاری کرد و باید به دنبال دلالی و مانند آن برویم».

جدای از این، یافته‌های حاصل از مصاحبه با عرضه‌کنندگان نشان داد که هیچ‌یک از آنان متعاقب افزایش شدت مداخله‌های پلیسی به طور کلی به سراغ ارتکاب جرایم جایگزین نرفتند. بلکه همچنان به فروش مواد مخدر ادامه دادند و از این منظر، کاهش ارتکاب جرم به دنبال مداخله‌ها رخ نداده است. البته امکان داشت که برخی از آنان همزمان با فروش مواد مخدر، سرقت نیز انجام دهند.

افزون بر این، این موضوع که کنترل‌های پلیسی شدید در بازارهای خرید و فروش مواد، موجب ارتقای سطح امنیت در جامعه می‌شود، با تردید روبه‌روست. بر اساس اظهارات برخی ساکنان، از زمان افزایش سخت‌گیری‌ها و افزایش قیمت، میزان مزاحمت‌ها و سرقت‌های مقرون به آزار بیشتر از گذشته شده است. در این خصوص، یکی از ساکنان محله‌های بازار خرید و فروش مواد (مصاحبه‌شونده شماره ۶) در پاسخ به پرسشی مبنی بر ارتباط میان برنامه‌های پلیسی و احساس امنیت، عدم احساس امنیت را پس از اجرای طرح‌های پلیسی در سال ۱۳۹۴ تشریح می‌کند: «از زمانی که پلیس طرح جدید را اجرا کرد، بسیاری از معتادان به داخل کوچه‌ها پناه بردند. از آن زمان به نظر می‌رسد که تعداد دزدی‌ها زیاده‌تر شده است و دیگر آن امنیت قبل وجود ندارد و هنگام رفتن به کوچه یا ورود به خانه باید حواسم را خیلی جمع کنم». عدم وجود احساس امنیت در اظهارات یکی از کسبه محل (مصاحبه‌شونده شماره ۸) نیز مشهود است: «چند روز پیش در یکی از کوچه‌های دروازه‌غار، یکی از مددکاران را خفت‌گیری کردند و تمام پول‌ها و موبایلش را دزدیدند. قبلاً از این اتفاق‌ها کمتر می‌افتاد. غروب‌ها که اصلاً نمی‌توان به کوچه‌ها رفت؛ پر از معتاد است».

حتی بر اثر افزایش قیمت، شاید برخی مصرف‌کنندگان برای تأمین مواد مورد نیاز

خود از مصرف‌کنندگان دیگر دزدی نمایند. مصرف‌کننده شماره ۲۳ تجربه بزه‌دیدگی خود را چنین توضیح می‌دهد: «در این چند وقتی که طرح اجرا شده، دزدی بین معتادان بسیار زیاد شده است. یک بار هنگامی که در پارک خوابیده بودم، معتادی کفشم را دزدید. یک بار دیگر هم دو نفر معتاد در کوچه، تمام پول و موادی را که همراه داشتم با تهدید چاقو از من گرفتند. آن‌ها حتی به لباس‌های یکدیگر هم رحم نمی‌کنند». از این حیث، افزایش قیمت مواد مخدر به دنبال افزایش شدت برنامه‌های پلیسی، مصرف‌کنندگان را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد.

جدای از این، در گفت‌وگوهای مدیران نهادهای عدالت کیفری نیز شواهدی از تأثیر مداخله‌های پلیسی در افزایش برخی جرایم مشاهده می‌شود. چنان‌که بنا بر اظهارات معاون دادستان و سرپرست دادسرای ویژه سرقت، یکی از مهم‌ترین دلایل افزایش وقوع سرقت‌های خرد در سال ۱۳۹۴ با توجه به افزایش قیمت مواد مخدر، رفتارهای بزهکارانه معتادان برای تأمین هزینه مواد است.^۱ همچنین به گفته رئیس سابق اداره اجتماعی قوه قضاییه، پس از افزایش قیمت مواد مخدر، سرقت و دزدی نیز افزایش یافته است.^۲

بنابراین مداخله‌های سختگیرانه مأموران پلیس برای ایجاد اختلال در بازار، یکی از عوامل تأثیرگذار بر افزایش میزان جرایم به شمار می‌آید. هرچند ممکن است مداخله‌های پلیسی به واسطه تحقق شاخص افزایش قیمت مواد، اثربخش شناخته شوند، واکنش‌های اتخاذشده از سوی مصرف‌کنندگان و توزیع‌کنندگان، دستیابی به هدف نهایی را با تردید روبه‌رو می‌سازد. در واقع، رفتارهای بزهکارانه مصرف‌کنندگان برای تأمین مواد و پیامدهای ناشی از آن موجب می‌شود که در نهایت، کاهش مصرف به‌عنوان هدف نهایی مداخله‌ها نیز اتفاق نیفتد.

1. <<http://www3.irna.ir/fa/NewsPrint.aspx?ID=81907840>>.

۲. رئیس سابق اداره اجتماعی قوه قضاییه با اشاره به پیوند افزایش قیمت مواد مخدر با افزایش پرونده‌های سرقت اظهار داشت: «با توجه به تغییرات مدیریتی در نیروی انتظامی، موفقیت‌های شایان توجهی در زمینه کشفیات مواد مخدر داشته‌ایم. اما این موضوع باعث شده قیمت مواد مخدر سنتی و صنعتی افزایش پیدا کند. پس از افزایش قیمت مواد مخدر در کشور، آمار سرقت و دزدی نیز به همان نسبت در جامعه افزایش یافته است؛ زیرا جرایم اجتماعی همواره به صورت پیوسته در ارتباط با یکدیگر هستند».
<<http://www.tabnak.ir/fa/news/511502>>.

۲. پیامدهای بهداشتی

مداخله‌های پلیسی در کنترل بازارهای خرید و فروش مواد مخدر ممکن است مشکلات بهداشتی را برای مصرف‌کنندگان و جامعه به دنبال داشته باشد که در طراحی برنامه‌ها مورد توجه قرار نگرفته است و در ذیل به آن پرداخته می‌شود.

۱-۲. به مخاطره افتادن سلامت اجتماعی مصرف‌کنندگان و آسیب‌های

بهداشتی برای جامعه

برنامه‌های پلیسی برای کنترل بازار مواد مخدر، رویکرد سختگیرانه‌ای را با هدف اختلال در بازارهای خرید و فروش مواد مخدر و جلوگیری از گرایش به مواد و بی‌میل کردن مصرف‌کنندگان به تهیه و مصرف مواد در پیش گرفته‌اند. در راستای این برخورد سختگیرانه، آنان تفاوتی میان مصرف و عرضه قائل نشده و به طور جدی با نهادها و جلوه‌های خرید و فروش مصرف مواد مخدر مقابله می‌کنند. تمرکز بر افزایش میزان توقیف مواد موجب می‌شود که مأموران پلیس نسبت به سلامت مصرف‌کنندگان و به طور خاص سیاست‌های کاهش آسیب^۱ بی‌توجه باشند. حتی ممکن است که آنان با آگاهی از وجود وسایل مصرف مواد، مانند سرنگ و... در میان مصرف‌کنندگان، به دنبال بازداشت کسانی باشند که وسایل مذکور و مواد مخدر را برای مصرف نگهداری می‌کنند.

واکنش مصرف‌کنندگان و شیوه مصرف مواد توسط آن‌ها در شرایطی که پلیس صرفاً به دنبال توقیف مواد است، مداخله‌های پلیسی را در معرض نقد قرار می‌دهد: نخست آنکه نیازمندی به سرعت بیشتر در مصرف مواد (از جمله تزریق، استنشاق و...) در اثر مداخله ناگهانی پلیس، موجب می‌گردد که بی‌احتیاطی و مصرف بیش از اندازه مواد، منجر به مشکلاتی نظیر بیش‌مصرفی، آسیب جسمانی و حتی مرگ شود.

۱. سیاست‌های کاهش آسیب در میان پژوهشگران این گونه تعریف شده است: «کاهش آسیب به عنوان یک خط مشی بدون نگاه ضد ارزشی به مصرف‌کننده مواد در پی حمایت از وی در مقابل پیامدهای این عمل بوده و هدف اولیه آن بهبود وضعیت سلامت فرد و جامعه است. همچنین اهداف ثانویه آن، انطباق هر چه بیشتر با جامعه، بازگشت مصرف‌کننده به تعادل روانی، کاهش جرایم مرتبط و در نهایت کاهش میزان مصرف مواد می‌باشد» (رحیمی پور و دیگران، ۱۳۹۵: ش ۸۹/۳).

به طور خاص، یافته‌های برخی پژوهش‌ها از وجود رابطه میان مداخله‌های پلیسی و افزایش بیش مصرفی در بازارهای مواد حکایت دارند که خود به چند دلیل است: ۱. ترس از بازداشت، کمک دیگران را محدود می‌کند، ۲. افزایش فشار پلیس بر بازارهای خرید و فروش مواد مخدر، موجب مصرف در انزوا و افزایش احتمال بیش مصرفی می‌شود (Green et al., 2013: 681). حتی در صورت بیش مصرفی نیز برخی از آنان به خاطر ترس از بازداشت، از رفتن به مراکز بهداشتی امتناع می‌کنند. همچنین این مسئله موجب می‌شود که مصرف‌کنندگان تزریقی در اثر تزریق با عجله، صدماتی را به رگ و بدن خویش وارد کنند که در مواردی منجر به مرگشان می‌شود (Aitken et al., 2002: 200-201).

دوم آنکه مواردی همچون اجتناب از حمل سرنگ و استفاده از سرنگ‌های به‌جامانده در پارک‌ها یا استفاده از سرنگ‌های مشترک میان مصرف‌کنندگان برای پیشگیری از پیامدهای مواجهه با مأموران پلیس، می‌تواند افزایش احتمال بیماری‌های واگیردار و عفونی همچون ایدز و هپاتیت را برای مصرف‌کنندگان به دنبال داشته باشد (Small et al., 2006)؛ برای نمونه بر اساس پژوهش انجام‌شده، افزایش شدت برنامه‌های پلیسی در کابراماتا^۱ در استرالیا موجب بروز بسیاری از رفتارهای آسیب‌زا همچون استفاده از سرنگ‌های مشترک، شیوع برخی بیماری‌های عفونی، آسیب‌دیدگی رگ‌ها و... و در عین حال امتناع پلیس از کمک به آن‌ها گردید. در شهر ونکور کانادا نیز پیرو افزایش شدت برنامه‌های پلیسی، بسیاری از مصرف‌کنندگان به دلیل استفاده از سرنگ‌های مشترک، به بیماری ایدز مبتلا گردیدند. بر اساس پژوهش انجام‌شده در مکزیک و مصاحبه عمیق با ۴۳ مصرف‌کننده، افزون بر اظهار ناراحتی آنان به خاطر ضرب و شتم‌های متعدد از سوی مأموران پلیس، برخورد سختگیرانه پلیس موجب شد

۱. کابراماتا به عنوان یکی از مناطق آلوده به مواد و بازار مواد در شهر سیدنی استرالیا به حساب می‌آید که به دنبال ابراز نگرانی شدید مردم، به کانون اجرای تدابیر کیفی سختگیرانه تبدیل گردید. مقامات کیفی با شعارهایی همچون: «زمان سختگیری آغاز شده است. زمان آن رسیده است که به پلیس قدرت و اختیار لازم برای متوقف نمودن تجارت مواد در کابراماتا داده شود»، به منابع در اختیار پلیس افزودند تا بتوانند به مقابله با بازارهای خرید و فروش مواد در کابراماتا بپردازند. بر همین اساس، مجموعه‌ای از تدابیر پلیسی مانند گشت‌زنی‌های مستمر، خرید و فروش‌های مخفیانه و حملات ناگهانی انجام شد. این موضوع موجب بروز عوارض بهداشتی در میان مصرف‌کنندگان و ساکنان منطقه و در نتیجه ناخرسندی آنان شد (Maher & Dixon, 2001: 5-6).

که مصرف‌کنندگان از سرنگ‌های بهداشتی استفاده ننموده و از سرنگ‌های به‌جامانده در پارک‌ها یا مشترک استفاده کنند. این موضوع موجب افزایش احتمال ابتلا به بیماری‌های واگیردار و عفونی می‌شود (Miller et al., 2008).

یافته‌های حاصل از مصاحبه‌ها در این پژوهش، بیانگر وجود مشکلاتی مانند تزریق با عجله و آسیب جسمانی، و بیش‌مصرفی در میان مصرف‌کنندگان مصاحبه‌شونده است. مصرف‌کننده شماره ۱۷ با تأیید تأثیر منفی رفتار مأموران پلیس بر شیوه مصرف بیان نمود: «یک بار که داشتم در خیابان تزریق می‌کردم، از ترس پلیس، سرنگ را به‌جای سیاهرگ به سرخرگ زدم که ۶ ماه با عصا راه رفتم». همچنین مصرف‌کننده شماره ۱۶ نیز بیان نمود: «یک بار مقدار بیشتری شیشه برای مصرف چند روزم خریدم، ولی از ترس مأموران، همه آن‌ها را یک‌جا در پارک بلعیدم که همان‌جا حالم بد شد و چند روز در بیمارستان بستری بودم».

افزون بر مصرف‌کنندگان، فروشندگان مصرف‌کننده نیز تحت تأثیر تدابیر انتظامی ممکن است دچار همین آسیب‌ها شوند. دو نفر از مصاحبه‌شوندگان در دورانی که به شیوه تزریق، مواد مصرف می‌کردند، در هنگام مواجهه با پلیس دچار مصدومیت‌های جدی شدند. مصاحبه‌شونده شماره ۱۸ در این باره بیان می‌دارد: «یک بار با دیدن مأموران به رگم آسیب زدم و سرنگ در رگم ماند و شکست که چند روز در بیمارستان بستری شدم. یک بار دیگر هم وقتی پلیس را دیدم، سرنگ را به‌جای رگ در زیر پوستم تزریق کردم که خونریزی کرد و به درمانگاه رفتم». افزون بر این، فروشنده شماره ۱۴ نیز یک بار در دوران مصرف مواد، به خاطر خوردن ۶ گرم هرورین در اثر مشاهده پلیس چند روز در بیمارستان بستری شد.

به گواهی پژوهش‌های موجود، ناآگاهی و عدم اطلاعات کافی مأموران انتظامی مجری طرح‌های مبارزه با بازار مواد در خصوص مداخله‌های کاهش آسیب، یکی از دلایل وجود چنین مشکلاتی است. فرهنگ پلیسی که در آن بازداشت ناقضان قانون، اجرای عدالت تلقی می‌شود، بهره‌برداری از رویه‌های مبتنی بر کاهش آسیب را ناممکن می‌سازد. بر اساس پژوهش‌ها، حتی در مواردی مأموران پلیس دچار نوعی سردرگمی و بلا تکلیفی می‌شوند که آیا مصرف‌کننده‌ای را که در حال مصرف مواد است، بازداشت

کنند یا خیر؟ و اینکه آیا به آنان در خصوص استفاده از سرنگ بهداشتی آگاهی دهند؟ در این راستا، این موضوع که مصرف‌کنندگان بخشی از سرمایه‌های اجتماعی محسوب می‌شوند، تأثیر زیادی در تدوین و التزام عملی پلیس به برنامه‌های کاهش آسیب دارد؛ برای نمونه، در برخی کشورها داروهای تأثیرگذار (مانند نالکسون) در اختیار نیروهای پلیس قرار می‌گیرد تا هنگام مواجهه با مسائلی مانند بیش‌مصرفی، از آن استفاده کنند و این گونه پیامدهای منفی بهداشتی را کاهش دهند. افزون بر این، بر پایه برخی پژوهش‌ها در این حوزه، بهره‌گیری از پلیس اجتماع‌محور^۱ نتایج بسیار مطلوبی را در کاهش پیامدهای منفی به دنبال داشته است (Green et al., 2013: 681-682). در واقع این موضوع که مداخله‌های پلیسی می‌تواند موجب آسیب شود، به این معنا نیست که نتوان از آن برای کاهش آسیب استفاده کرد. بر اساس نتایج برخی پژوهش‌ها، برقراری ارتباط بیشتر میان نهادهای بهداشتی و پلیس، و آموزش به افسران پلیس، نقش مهمی در کاهش پیامدهای ناخواسته برنامه‌های پلیسی دارد (Miller et al., 2008: 329-330).

این در حالی است که در نظام عدالت کیفری ایران تا پیش از اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر در سال ۱۳۸۹، نوعی تعارض میان گفتمان پلیسی موجود و برنامه‌های کاهش آسیب وجود داشت، به طوری که مأموران پلیس با توجه به جرم بودن اعتیاد، خود را ملزم به بازداشت مصرف‌کنندگان می‌دیدند و التزام به برنامه‌های کاهش آسیب را مخالف اجرای قانون می‌دانستند.

۱. الگوی فکری پلیس اجتماع‌محور از یک‌سو با شریک گردانیدن اجتماع برای کنترل جرم و در نتیجه کسب حمایت آنان و از سوی دیگر مسئولیت‌پذیر کردن بیشتر پلیس در برابر آنان، سهم عمده‌ای در برنامه‌های پلیسی کنونی داشته است. اجرای رویکرد اجتماع‌محور در گام اول، نیازمند تمرکززدایی از سازمان پلیس است که به شکل دادن اختیارات بیشتر به افسران رده متوسط نمودار می‌شود. افزون بر این، همجواری اجتماع در کنار پلیس، مستلزم توانمندسازی اجتماع برای حل مشکل جرم است که با مشارکت دادن آنان در طرح‌های پلیسی و آموزش لازم به آنان حاصل می‌شود. به این ترتیب، توانایی پلیس برای کنترل جرایم و پاسخ‌گویی به نیازهای جامعه نیز به واسطه ارتباط نزدیک میان پلیس و اعضای محله بیشتر می‌شود. جامعه نیز با حضور در کنار پلیس به کارایی و قابلیت این نیروها امید بیشتری خواهد داشت. در مجموع، ارتباط نزدیک پلیس با اجتماع، کنشی بودن فعالیت‌های پلیس، به رسمیت شناختن تکثر فرهنگی جامعه و تمرکززدایی سازمانی و عملکردی، از شاخص‌های مهم پلیس اجتماع‌محور محسوب می‌شوند (عابدی‌نژاد، ۱۳۹۳).

در مجموع، رویکرد تجربه‌محور،^۱ مقتضی آگاهی از پیامدهای ناخواسته مداخله‌های کیفری و به تبع آن، تدوین راه حل‌هایی برای کاهش آثار منفی این گونه مداخله‌هاست. این امر مستلزم آن است که طراحان و مجریان طرح‌های انتظامی کنترل بازارهای خرید و فروش مواد، سلامت و بهداشت عمومی جامعه را در اولویت قرار داده و با تأکید بر شاخص‌های سخت‌افزاری مانند میزان مواد مخدر کشف‌شده و تعداد دستگیرشدگان، آن را به فراموشی نسپارند.

۲-۲. آسیب‌های بهداشتی به خانواده‌ها و جامعه

یکی از واکنش‌های توزیع‌کنندگان و مصرف‌کنندگان به مداخله‌های پلیسی، جابه‌جایی مکانی و تغییر مکان بازارهای خرید و فروش مواد است؛ به این ترتیب که ممکن است از پارک‌ها به کوچه‌ها و یا از یک منطقه به منطقه دیگر بروند. ورود آنان به مکان جدید، ممکن است که مشکلات بهداشتی را در منطقه جدید به وجود آورد. ماهر و دیکسون با بررسی برنامه‌های پلیسی برای اختلال در بازار مواد مخدر در کابراماتا بیان داشتند که این مداخله‌ها با انتقال بازارهای خرید و فروش مواد به مکان‌های جدید، موجب افزایش مشکلات بهداشتی و بیماری‌ها در مناطق جدید شدند (Maher & Dixon, 2001: 5-6).

یافته‌های حاصل از مصاحبه با اهالی محله‌های بازار خرید و فروش مواد، بیانگر وجود چنین مشکلات و دغدغه‌هایی بر اثر اجرای طرح‌های پلیسی است. مصاحبه‌شونده شماره ۲ که یکی از کسبه محله دروازه‌غار است، درباره تأثیر منفی طرح‌های پلیسی می‌گوید: «قبل از اجرای طرح، معتادان در پارک‌ها زندگی می‌کردند و در همان‌جا هم مواد مصرف می‌کردند، ولی الآن می‌بینید که داخل کوچه‌ها آمده‌اند و شما می‌توانید سرنگ‌هایی را که مصرف کرده‌اند، در کوچه‌ها هم ببینید. دانش‌آموزان نیز هر روز از این کوچه‌ها عبور می‌کنند و این خیلی خطرناک است». مصاحبه‌شونده شماره ۱۷ که در پایانه تاکسیرانی محله شوش فعالیت می‌کند، اظهار می‌دارد: «قبلاً معتادان در یک جا جمع بودند، ولی الآن همه‌جا حضور دارند و مواد مصرف می‌کنند. سرنگ‌های شکسته و آلوده همه‌جا هست. دانش‌آموزان در مسیر

1. Evidence based approach.

مدرسه از داخل پارک رد می‌شوند و آن‌ها را می‌بینند و هوس می‌کنند که مثل آن‌ها سیگار بکشند. معتادان نیز از ترس، سرنگ‌ها را همان جایی که استفاده کرده‌اند، رها می‌سازند. اگر بچه‌ای آن سرنگ‌ها را بردارد، چه می‌شود؟».

افزون بر این، تغییر شیوه مصرف از استنشاق به تزریق برای جبران کسری نیاز بدن به مواد، به دلیل افزایش شدت مداخله‌های پلیسی و کاهش عرضه مواد در جامعه، احتمال ابتلای مصرف‌کنندگان به ویروس ایدز، هپاتیت، بیماری‌های عفونی و... و به تبع آن آسیب به خانواده‌های آنان و جامعه را بیشتر می‌کند.^۱ هورنیاک و همکاران، گرایش به تزریق در استرالیا را در پی مداخله‌های شدید پلیسی (بر اساس مصاحبه با ۶۸۸ مصرف‌کننده در ملبورن) در بین سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۰ بررسی کردند. به باور آنان، تشدید مداخله‌ها موجب شده بود که میزان شروع به تزریق مواد دو برابر شود که این موضوع خود زنگ خطری برای بیماری‌های خطرناک در میان مصرف‌کنندگان، خانواده‌های آنان و جامعه است (Horyniak et al., 2015: 48-49).

بررسی مطالعات موجود در ایران نشان می‌دهد که افزایش شدت مداخله‌های پلیسی در ایران از سال ۱۳۹۴ موجب شده است که بسیاری از معتادان از مصرف شیشه به تزریق هروین روی آورند. این موضوع با توجه به افزایش احتمال بیماری‌های واگیردار، تهدیدی برای سلامت جامعه محسوب می‌شود. در این زمینه، اظهارات سخنگوی ستاد مبارزه با مواد مخدر در خصوص تغییر الگوی مصرف از شیشه به هروین تزریقی، نشان‌دهنده پیامدهای منفی این موضوع در جامعه و در میان خانواده‌های مصرف‌کنندگان است.^۲

در مجموع، رفتارهای پرخطر مصرف‌کنندگان مانند تزریق و استفاده از سرنگ‌های مشترک، اثربخشی برنامه‌های ناظر بر افزایش قیمت و کمبود مواد را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد؛ چرا که آسیب‌های بهداشتی خانواده‌ها و جامعه به عنوان پیامدهای ناخواسته ناشی از دسترسی به این اهداف، نتیجه نهایی را با شک و تردید مواجه می‌کند.

1. <<http://www.mizanonline.ir/fa/news/93751>>.

2. <<http://www.ilna.ir/fa/tiny/news-450798>>.

۳. افزایش فساد و سوءاستفاده از اختیارات قانونی پلیس در کنترل

بازار مواد مخدر

یکی از چالش‌های بسیار مهم برای اثربخشی مداخله‌های پلیسی در این حوزه، ارتکاب برخی ناهنجاری‌های رفتاری در میان نیروی‌های پلیسی است. امکان وقوع فساد و به‌طور خاص دریافت رشوه در بسیاری از جرایم و از جمله تخلفات راهنمایی و رانندگی وجود دارد، لیکن در جرایم مواد مخدر، آثار فساد پلیس به لحاظ وقوع نتایج همچون افزایش توزیع مواد مخدر و در نتیجه افزایش مصرف و به تبع آن افزایش احتمال جرم و بی‌نظمی در جامعه، اهمیت به مراتب بیشتری دارد (Stinson et al., 2013). در واقع، امکان وجود فساد در سطح خرده‌فروشی و به‌طور خاص عمده‌فروشی، عواقب فساد مأموران پلیس و راه‌های اجتناب از آن را دوچندان می‌کند.

بر این اساس، ممکن است مأموران پلیس با هدف کسب درآمد، از اختیارات خود برای کنترل بازارهای خرید و فروش مواد سوءاستفاده نمایند. رؤیت‌ناپذیری رفتارهای مأموران پلیس در هنگام کنترل بازارهای مواد به آن‌ها امکان می‌دهد که قوانین را به‌آسانی نقض نموده و از طریق همکاری با توزیع‌کنندگان، درآمد کسب کنند. به‌طور خاص، مأمورانی که طرح‌های پلیسی را در بازارهای مواد اجرا می‌کنند، عموماً رتبه سازمانی پایین دارند و به همین جهت، زمینه‌های ارتکاب فساد برای آنان با توجه به داشتن آزادی عمل فراهم‌تر است.

به‌طور کلی، سودآوری بالای جرایم مواد مخدر به‌ویژه در توزیع عمده مواد، ممکن است که برخی مقامات پلیس را به مشارکت در فرایند توزیع مواد مخدر دعوت کند. این موضوع نقشی انکارنشده در عدم کشف محموله‌های مواد و در نتیجه کاهش اثربخشی برنامه‌های پلیسی دارد.^۱ دریافت رشوه از توزیع‌کنندگان مواد برای

۱. برای نمونه، بری میسون (Barry Moysen) رئیس حوزه مبارزه با مواد مخدر در جنوب استرالیا به دلیل شرکت در توزیع مواد مخدر، به تحمل ۲۷ سال حبس محکوم گردید. در ایالات متحده نیز به دنبال اتهام همکاری یکی از رؤسای ارتش با شبکه مواد مخدر، قانونی مبنی بر ممنوعیت دخالت پرسنل نظامی در کشف و دستگیری‌های مرتبط با مواد مخدر تعیین گردید (زکریایی، ۱۳۹۰: ۲۲۱). همچنین در پرونده‌ای دیگر، مارک استانن (Mark Standen) دستیار کمیسیون پیشگیری از جرم در سال ۲۰۱۱ به‌خاطر همکاری و دریافت پول از باندهای مواد مخدر، به ۲۲ سال حبس محکوم شد (Wodak AM, 2014: 195-196).

همکاری با آن‌ها، یکی از جلوه‌های مهم ناهنجاری‌های رفتاری است؛ به گونه‌ای که به باور برخی پژوهشگران، این موضوع مشکل اصلی مواد مخدر در کشورهای هلال طلایی همچون ایران محسوب می‌شود (Talpur & George, 2014: 34-35).

از سوی دیگر، همین اندیشه ممکن است برخی از نیروهای پلیس را مجاب کند که در کنار شغل رسمی خویش، به فروش مواد مخدر ضبط‌شده به شیوه‌های گوناگون اقدام کنند. همچنین آن‌ها از طریق رفتارهایی مانند دزدی مواد یا پول از فروشندگان، همکاری و حمایت از شبکه‌های عرضه‌خرده‌فروشی یا عمده‌فروشی و ارائه گزارش‌های دروغین می‌توانند اثربخشی برنامه‌های پلیسی را کاهش دهند. این موضوع تا جایی است که بر اساس برخی گزارش‌های رسمی در استرالیا، با تشدید برنامه‌های پلیسی، تعداد پرونده‌های مرتبط با فساد مأموران پلیسی که در حوزه بازارهای مواد مخدر فعال بوده‌اند، از سال ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۷، از ۳۳ درصد به ۴۸ درصد افزایش داشته و تعداد محکومیت‌های افسران پلیس که مرتبط با حوزه مواد بوده‌اند نیز از ۴۶ درصد به ۵۳ درصد رسیده است (Coffin & Dixon, 1999: 481).

استینسون و همکاران نیز به بررسی مصادیقی از فساد پلیس در بازارهای سطح بالا و سطح پایین مواد مخدر در شهرهای مختلف ایالات متحده نظیر نیویورک، میامی، شیکاگو و... پرداختند.^۱ نتایج تحقیقات آنان نشان‌دهنده ارتباط میان ناهنجاری‌های رفتاری پلیس و عملکرد بازارهای مواد بود؛ به طوری که ماهیت فساد پلیس در جرایم مواد مخدر در مقایسه با سایر جرایم، خشن‌تر بود و هم با توجه به سود بیشتر، هزینه‌های زیادی برای جامعه داشت و به همین سبب از آن به عنوان الگوی جدید فساد مدرن پلیسی تعبیر کردند (Stinson et al., 2013: 496-498). میلر و همکاران مسئله رشوه را در سطح خرده‌فروشی بر اساس مصاحبه عمیق با ۴۳ مصرف‌کننده مواد مخدر در دو شهر مختلف مکزیک بررسی کردند. بر اساس پژوهش مذکور، رفتارهای نابهنجار و دریافت رشوه از مصرف‌کنندگان، یکی از پیامدهای ناخواسته مداخله‌های پلیسی محسوب می‌شد.

۱. بر اساس تحقیقات آن‌ها، فساد در سازمان پلیس نیویورک در حوزه مواد موجب شد که کمیسیونی ویژه برای رسیدگی به این موضوع در سازمان پلیس نیویورک با عنوان کمیسیون مولن (Mollen Commission) تشکیل شود.

به طور خاص، تقریباً نصف مصرف‌کنندگان به وجود رابطه مالی میان مصرف‌کنندگان، فروشندگان و مأموران پلیس اشاره نمودند (Miller et al., 2008: 327-330).

به باور پژوهشگران، یکی از خصیصه‌های مهم این رفتارهای نابهنجار، استمرار در طول زمان و یا به تعبیر برخی وجود حالت چرخه‌ای است. کارتر بر اساس مصاحبه عمیق با ۳۲ افسر پلیس در ایالات متحده، چرایی و چگونگی فساد مأموران پلیسی در حوزه مقابله با مواد را بررسی نمود و به این نتیجه رسید که سود بالای مواد مخدر موجب می‌شود که سوءاستفاده از اختیارات به یک الگو تبدیل شده و حتی میزان آن نیز افزایش یابد (Carter, 1990: 87-88). جدای از نقش عواملی مانند ساختار فرصت به سبب آزادی عمل مأموران پلیس و حضور آنان در بازارهای مواد، کدهای امنیتی و سکوت^۱ در سازمان پلیس نیز یکی از متغیرهای تأثیرگذار در وقوع رفتارهای فسادآمیز است. بر اساس آن، موقعیت‌های شغلی و فرهنگ سازمانی اجازه نمی‌دهد که چالش نابهنجاری‌های رفتاری مأموران در خارج از محیط سازمان مطرح شود. حتی ممکن است که اشخاص به خاطر بازگویی این مسئله، مورد سرزنش افسران پلیس نیز قرار گیرند. فرهنگ سکوت در برابر تخلفات همکاران پلیس و... موجب می‌شود در مواردی که فساد مأموران ثابت می‌شود، این موضوع تنها به یک یا چند افسر محدود نسبت داده شود، در حالی که چه‌بسا مسئله فساد، فراتر از وجود یک یا چند مأمور پلیس فاسد باشد. افزون بر این، عدم نظارت ساختاری کافی در سازمان پلیس نیز موجب استمرار فساد و عدم کشف این رفتارها می‌شود. فقدان و یا کمبود برنامه‌های ضد فساد، فقدان وجود واحدهای تحقیق برای کشف رفتارهای فسادآمیز و... موجب می‌شود تا تلاش‌های اندکی برای کنترل فساد در سازمان پلیس صورت گیرد (Ibid.: 88-92).

نتیجه‌گیری

سنجش اثربخشی برنامه‌های پلیسی کنترل بازارهای مواد مخدر، در گرو تعیین اهداف مداخله‌هاست. به این ترتیب که اگر اثربخشی، همان گونه که از گفتمان موجود در

1. Code of silence.

مقام‌های رسمی برداشت می‌شود، صرف افزایش میزان دستگیری و توقیف مواد، تعداد بزهکاران محکومیت‌یافته و تحقق درخواست‌های مردم باشد، دیگر پاسخ‌گویی به پیامدهای خواسته یا ناخواسته، اهمیتی نخواهد داشت. به همین ترتیب، هنگامی که کاهش مصرف، هدف و اولویت نخست مداخله‌های پلیسی باشد، مرگ‌ها و آسیب‌های بهداشتی مصرف‌کنندگان با اغماض مواجه شده و حتی چاره‌جویی برای حل آن نیز با مقاومت روبه‌رو می‌شود.

این در حالی است که پیامدهای ناخواسته، متغیر مهمی در سنجش اثربخشی برنامه‌های پلیسی کنترل بازارهای مواد محسوب می‌شوند. اگر اثربخشی نهایی به معنای دستیابی به اهداف مورد انتظار همراه با کاهش پیامدهای ناخواسته باشد، شیوه تصمیم‌گیری و کنترل بازار مواد تغییر می‌کند. بنابراین پیامدهای ناخواسته باید جایگاه و اهمیت زیادی در حوزه سیاست‌گذاری و اجرای سیاست‌های مربوط به مواد مخدر داشته باشند. به همین سبب نیاز است که سیاست‌گذاران به این پیامدها آگاهی یافته و برای کاهش آن تلاش نمایند. این پیامدها گاه آن‌چنان اهمیت می‌یابند که اهداف اصلی را نیز تحت الشعاع قرار می‌دهند و گاه دستیابی به آن اهداف را بی‌معنا می‌سازند. از این منظر، اینکه با افزایش قیمت مواد مخدر و به دنبال آن کاهش مصرف، اهداف نهایی مداخله‌های کیفی محقق می‌گردد، واقع‌بینانه نیست؛ چرا که ممکن است فروشندگان مرتکب جرایم جایگزین شده و مصرف‌کننده‌ها نیز با ارتکاب جرایم متعدد، هزینه‌های افزایش قیمت مواد را تأمین نمایند و از این طریق، نرخ جرایم در جامعه افزایش یابد. از سوی دیگر، افزایش فساد و سوءاستفاده‌ی مأموران پلیس در بلندمدت بر میزان دستیابی به اهداف تأثیر می‌گذارد.

به طور خاص، سیاست انکار وجود فساد در سازمان‌های پلیسی نه تنها ممکن است که تأثیر مثبتی بر بهبود آثار مداخله‌ها نداشته باشد، بلکه در فرایندی بلندمدت، مشروعیت سازمان پلیس را کاهش داده و اعتماد عمومی را خدشه‌دار سازد. وجود چنین پیامد ناخواسته‌ای موجب می‌شود که پلیس از دستیابی به اهداف مورد انتظار بازمانده و اثربخشی نهایی مداخله‌ها زیر سؤال برود. از سوی دیگر، پیامدهای بهداشتی مداخله‌ها نسبت به مصرف‌کنندگان نیز ممکن است شیوه‌های موجود کنترل بازار مواد

را به عنوان شیوه‌های مطلوب زیر سؤال برد. بنابراین شایسته است برای تدوین طرح‌های جدید کنترل بازارهای خرید و فروش مواد، میزان استفاده طراحان از نتایج طرح‌های پیشین اعم از نتایج خواسته یا ناخواسته بررسی شود. استفاده از این روش موجب آگاهی از این موضوع می‌شود که در تصمیم‌گیری‌ها تا چه اندازه بر نتایج پژوهش‌های علمی تکیه می‌شود؛ برای نمونه، در حوزه کاهش بیش‌مصرفی و مرگ معنادان، با توجه به اینکه افسران پلیس به عنوان اولین برخوردکنندگان با مصرف‌کننده در بسیاری موارد هستند، می‌توانند در خصوص برنامه‌های کاهش آسیب و از جمله استفاده از داروهای تأثیرگذار آموزش ببینند و امکانات اولیه درمانی در اختیار آنان قرار گیرد.

جدای از این، در سطح بین‌المللی نیز تمام تلاش مداخله‌های کیفری در حوزه مقابله با عرضه با استفاده از شیوه‌های گوناگون نظیر از بین بردن مزارع کشت مواد، اعمال نظارت مشترک برای کنترل مرزها و... بر کاهش عرضه جهانی مواد مخدر متمرکز شده است. بر این اساس، در صورتی که عرضه جهانی مواد مخدر کاهش یابد، پیامدهای ناخواسته کمتری روی می‌دهد، ولی اینکه آیا تا کنون مداخله‌های کیفری در حوزه مقابله با عرضه برای کاهش عرضه عملکرد موفقی داشته یا خیر، خود محل نزاع است.

یکی از راه‌حل‌های جایگزین می‌تواند قانونی‌سازی مواد مخدر برای کاهش پیامدهای ناخواسته باشد. در این صورت، با توجه به کنترل عرضه مواد مخدر توسط دولت، فساد کمتری روی می‌دهد و پیامدهای ناگوار بهداشتی و میزان ارتکاب جرم نیز کمتر خواهد بود؛ چرا که با توجه به قیمت پایین مواد مخدر در فرض اجرای سیاست‌های قانونی‌سازی و عرضه دولتی آن، نیاز به مصرف و به تبع آن ارتکاب یا جابه‌جایی جرم نیز کمتر می‌شود.

در مجموع، ارزیابی مداخله‌های پلیسی می‌تواند نقشه راه را از ابعاد مختلف ترسیم نماید و بر اساس آن، انحراف برخی از اجزای برنامه از هدف نهایی و عوامل تأثیرگذار در این موضوع و آثار و پیامدهای ناخواسته برنامه‌ها مشخص شود و بر مبنای نتایج آن، به حذف برنامه‌های ناموفق یا اصلاح و ترمیم سیاست‌های موجود اقدام گردد.

کتاب‌شناسی

۱. رحیمی‌پور، ایمان، محمدجعفر حبیب‌زاده، سیدمصطفی محقق داماد، و محمد فرجیها، «سیاست کاهش آسیب در قبال مصرف مواد مخدر: مطالعه تطبیقی در نظام عدالت کیفری ایران، پرتغال و کانادا»، فصلنامه پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره بیستم، شماره ۳، ۱۳۹۵ ش.
۲. زکریایی، محمدعلی، درآمدی بر قانون مبارزه با مواد مخدر و اعتیاد، پژوهش به سفارش کمیته مبارزه با مواد مخدر مجمع تشخیص مصلحت نظام، تهران، جامعه و فرهنگ، ۱۳۹۰ ش.
۳. عابدی‌نژاد، زهرا، ارزیابی سیاست‌ها و برنامه‌های انتظامی کنترل جرم در ایران از منظر شاخص‌های پلیس اجتماع محور، رساله دکتری دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۹۳ ش.
۴. فرجیها، محمد، «ارزیابی مداخله پلیس در کنترل بازارهای خرید و فروش مواد مخدر»، در: علوم جنایی (گزیده مقالات آموزشی برای ارتقای دست‌اندرکاران مبارزه با مواد مخدر در ایران)، تهران، سلسبیل، ۱۳۸۴ ش.
۵. مؤیدی، علی، «اجرای الگوی انتظامی مقابله با فروش مواد مخدر»، فصلنامه مطالعات مبارزه با مواد مخدر، سال هفتم، شماره‌های ۲۴-۲۵، ۱۳۹۴ ش.
۶. نجفی ابرنآبادی، علی حسین، مباحثی در علوم جنایی، تقریرات درس جرم‌شناسی (پیشگیری)، نیمسال دوم ۱۳۸۱-۸۲ ش. به کوشش شهرام ابراهیمی، ۱۳۹۱ ش. قابل دسترس در <www.lawtest.ir>.
7. Aitken, Campbell & David Moore & Peter Higgs & Jenny Kelsall & Michael Kerger, "The Impact of a Police Crackdown on a Street Drug Scene: Evidence from the Street", *International Journal of Drug Policy*, Vol. 13(3), 2002.
8. Baveja, Alok & Mamnoon Jamil & Debashis Kushary, "A Sequential Model for Cracking Down on Street Markets for Illicit Drugs", *Socio-Economic Planning Sciences*, Vol. 38(1), 2004.
9. Benson, Bruce L. & Iljoong Kim & David W. Rasmussen & Thomas W. Zehlke, "Is Property Crime Caused by Drug Use or by Drug Enforcement Policy?", *Applied Economics*, Vol. 24(7), 1992.
10. Burrus, Robert T. & William H. Sackley & David L. Sollars, "Illicit Drugs and Economics: Examples for the Principles Classroom", *Journal of Economics and Finance Education*, Vol. 6(2), 2007.
11. Carter, David L., "Drug-Related Corruption of Police Officers: A Contemporary Typology", *Journal of Criminal Justice*, Vol. 18(2), 1990.
12. Chouvy, Pierre-Arnaud, "A Typology of the Unintended Consequences of Drug Crop Reduction", *Journal of Drug Issues*, Vol. 43(2), 2013.
13. Coffin, Phillip & David Dixon, "Zero Tolerance Policing of Illegal Drug Markets", *Drug and Alcohol Review*, Vol. 18(4), 1999.
14. Green, Traci C. & Nickolas Zaller & Wilson R. Palacios & Sarah E. Bowman & Madeline Ray & Robert Heimer & Patricia Case, "Law Enforcement Attitudes toward Overdose Prevention and Response", *Drug and Alcohol Dependence*, Vol. 133(2), 2013.

15. Horyniak, Danielle & Mark Stoové & Louisa Degenhardt & Campbell Aitken & Thomas Kerr & Paul Dietze, "How Do Drug Market Changes Affect Characteristics of Injecting Initiation and Subsequent Patterns of Drug Use? Findings from a Cohort of Regular Heroin and Methamphetamine Injectors in Melbourne, Australia", *International Journal of Drug Policy*, Vol. 26(1), 2015.
16. Maher, Lisa & David Dixon, "The Cost of Crackdowns: Policing Cabramatta's Heroin Market", *Current Issues in Criminal Justice*, Vol. 13(1), 2001.
17. Miller, Cari L. & Michelle Firestone & Rebeca Ramos & Scott Burris & Maria Elena Ramos, Patricia Case & Kimberly C. Brouwer & Miguel Angel Fraga & Steffanie A. Strathdee, "Injecting Drug Users' Experiences of Policing Practices in Two Mexican-US Border Cities: Public Health Perspectives", *International Journal of Drug Policy*, Vol. 19(4), 2008.
18. Reuter, Peter, "The Unintended Consequences of Drug Policies", *A Report on Global Illicit Drug Markets 1998-2007*, 2009.
19. Small, Will & Thomas Kerr & John Charette & Martin T. Schechter & Patricia M. Spittal, "Impacts of Intensified Police Activity on Injection Drug Users: Evidence from an Ethnographic Investigation", *International Journal of Drug Policy*, Vol. 17(2), 2006.
20. Stinson, Philip M. & John Liederbach & Steven L. Brewer & Hans D. Schmalzried & Brooke E. Mathna & Krista L. Long, "A Study of Drug-Related Police Corruption Arrests", *Policing: An International Journal of Police Strategies & Management*, Vol. 36(3), 2013.
21. Talpur, Anushka & Tony P. George, "A Review of Drug Policy in the Golden Crescent: Towards the Development of More Effective Solutions", *Asian Journal of Psychiatry*, Vol. 12, 2014.
22. Wodak AM, Ales, "The Abject Failure of Drug Prohibition", *Australian & New Zealand Journal of Criminology*, Vol. 47(2), 2014.